یادداشت

مسئولیت اجتماعی ما

ادامه از صفحه اول

یعنی گاهی ما نویسندگان و سخنرانان عملا به‌گونه‌ای التهاب‌آفرینی می‌کنیم که آن وضع وخیم پیش بیاید و در پدیدارشدن هر فاجعه‌ای پیش‌دستی و مشارکت می‌کنیم؛ «او خود قوی‌تر می‌زند این طبل بی‌هنگام را». اثر سخن را باید جدی گرفت. گاهی یک سخن موجی در جامعه می‌آفریند و سیاستی را تضعیف یا تخریب می‌کند و مردمان را بیچاره می‌کند. به بیان دیگر این فقط سیاست‌های غلط دولت‌ها نیست که تخریب می‌کند، بلکه سخن ما و نوشته ما هم می‌تواند چنین کند. نباید تصور کنیم که در برج عاج بی‌مسئولیتی نشسته‌ایم. اگرچه «مسئول حکومتی» نیستیم اما به هر حال یک «مسئول اجتماعی» که هستیم. حتی ممکن است سخن ما و نوشته ما بیش از سیاست‌ها به بحران اقتصادی دامن زند. مطالعات اقتصاد رفتاری نشان می‌دهد که نزد مردمان «بیش‌برآورد ضرر» بیش از ضرر واقعی است، از همین رو است که مثلا شایعه ورشکستگی یک بانکِ خوب می‌تواند به ورشکستگی واقعی آن بینجامد. متأسفانه شماری اندک از فعالان رسانه‌ای به‌دلیل شهرت‌طلبی و تبرج و «پروفسورنمایی» حاضرند مردم هرچه بیشتر آسیب ببینند اما رقیب آنان رسوا شود؛ «زان تبرج گمرهی مقصودشان». از این‌رو با کینه و حسد بر شعله این آتش می‌دمند و مردمان را بیش از پیش مضطرب می‌کنند؛ «جهان گر مضطرب شد گو همی شو». «فالورطلبی» در رسانه‌های اجتماعی هم مزید بر علت است و به بیماری شماری از روشنفکران و فعالان رسانه‌ای تبدیل شده است. بنابراین بازاندیشی و تدبر در ایفای مسئولیت اجتماعی روشنفکری عمومی اهمیت بسیار می‌یابد. هم‌راستا با نقد مسئولان و سیاست‌مداران، باید از خود و از نوشته‌ها و بیماری‌های خود نیز سخن بگوییم. نمی‌توانیم به بهانه اینکه قدرت سیاسی و اقتدار رسمی نداریم، در برج عاجی از خودمنزه‌پنداری بنشینیم و از پیامدهای سخنان خود غافل باشیم. این یک مسئولیت مدنی برای روشنفکری سیاسی در ایران است. مبادا که به قول مولانا «سال‌ها ره می‌رویم و در اخیر/ همچنان در منزل اول اسیر». برای در امان ماندن از موج زرد رسانه‌ای اسیر خودنمایی‌ها نباشیم. «صد هزاران کاتبِ فحلِ خطیبِ/ گشته گمره از نوای یک فریب». بیایید هم‌زمان با نقد سیاسی و سیاستی، به ناکامیابی‌ها دامن نزنیم؛ التهاب‌آفرینی نکنیم؛ دل مردمان را خالی نکنیم و به نام «پیش‌بینی»، حوادث شوم را فراخوان نکنیم. فرار به جلو از دیگر بیماری‌هایی است که گریبان روشنفکری اجتماعی را می‌گیرد. گاهی برای فرار از گذشته خویش مواضع افراطی‌تری می‌گیریم و این خود التهاب بیشتری می‌آفریند. مهارت‌های فکری و اخلاقی برای روشنفکری عمومی ضروری است. برخی از کسانی که مواضع تند و تیز می‌گیرند، در واقع برای پاک‌سازی پیشینه خود چنین می‌کنند نه اینکه مواضع جدیدشان را به صلاح کشور بدانند. همیشه پای «خود» در میان است و نه سرنوشت ملت و مردم.

امنیت و حریم خصوصی؛ ستون پنهان بانکداری دیجیتال

ادامه از صفحه اول

این ابزارها اغلب حامل بدافزارهایی هستند که امکان ثبت اطلاعات هویتی و مالی کاربران را فراهم می‌کنند و علاوه بر افزایش احتمال کلاهبرداری، موجب اختلال در عملکرد سامانه‌های امنیتی بانک‌ها می‌شوند. این مسئله ضرورت توجه هم‌زمان به آموزش کاربران، ارتقای سواد دیجیتال و سیاست‌گذاری کلان در حوزه امنیت سایبری را دوچندان می‌کند. از سوی دیگر، هوش مصنوعی و یادگیری ماشین به ابزارهایی کلیدی در شناسایی تقلب، پایش تراکنش‌ها و مدیریت ریسک تبدیل شده‌اند و توانایی تشخیص الگوهای مشکوک با دقت بالا را فراهم می‌کنند. با این حال، اتکای بیش از حد به الگوریتم‌ها بدون توجه به کیفیت داده‌ها، شفافیت تصمیم‌گیری و خطر سوگیری، می‌تواند منشأ ریسک‌های جدیدی در حوزه حریم خصوصی و پاسخ‌گویی باشد. استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی مستلزم استقرار چارچوب‌های روشن حکمرانی داده، کنترل‌های نظارتی و مداخله انسانی در تصمیم‌های حساس است. در این میان، فناوری بلاک‌چین به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین، افق‌های تازه‌ای برای ارتقای امنیت و حفاظت از حریم خصوصی گشوده است. ثبت غیرمتمرکز و تغییرناپذیر تراکنش‌ها، امکان دستکاری داده‌ها را به حداقل می‌رساند و استفاده از تکنیک‌های رمزنگاری پیشرفته، پردازش داده‌های حساس را بدون افشای اطلاعات ممکن می‌کند. با این حال، بهره‌گیری مؤثر از این فناوری هم نیازمند تطبیق با الزامات مقرراتی، زیرساخت‌های حقوقی و استانداردهای بین‌المللی است. تجربه جهانی نشان می‌دهد پذیرش بانکداری دیجیتال رابطه مستقیمی با درک مشتریان از امنیت و حریم خصوصی دارد. شفافیت در سیاست‌های داده‌ای، اطلاع‌رسانی درباره سازوکارهای امنیتی و آموزش مستمر مشتریان، نقشی تعیین‌کننده در تقویت اعتماد عمومی ایفا می‌کند. به‌ویژه برای مشتریان قدیمی و گروه‌های حساس‌تر، امنیت همچنان مهم‌ترین معیار استفاده از خدمات دیجیتال محسوب می‌شود. در نهایت، بانکداری دیجیتال زمانی می‌تواند به موتور رشد و نوآوری تبدیل شود که امنیت و حریم خصوصی نه به‌عنوان مانعی برای توسعه، بلکه به‌عنوان مزیت رقابتی و عامل خلق ارزش بلندمدت در نظر گرفته شود. تلفیق نوآوری فناورانه با تنظیم‌گری هوشمند، حاکمیت داده و مسئولیت‌پذیری نهادی، مسیر شکل‌گیری اکوسیستم مالی دیجیتال پایدار، ایمن و قابل اعتماد را هموار خواهد کرد.

نقد گفتمانی دولت

ادامه از صفحه اول

در گفتمان سیاسی، مبارزه با فساد ذاتا گفتمانی تعارضی است؛ نام‌گذاری می‌خواهد، مرزبندی می‌طلبد و الزاما گروه‌هایی را ناراضی می‌کند. حذف یا کم‌رنگ‌کردن آن، راهی برای اخلاقی‌کردن سیاست نیست. این غیبت، در شرایط عادی هم تأمل‌برانگیز است؛ اما در شرایط تحریم، معنا و وزن دیگری پیدا می‌کند. تحریم هم خود مولد فساد است و هم زبان سیاست را به سمت استثنا، مصلحت و ضرورت سوق می‌دهد. اگر در چنین فضایی، گفتمان عدالت نتواند «ضد فساد» را به‌عنوان جزء لاینفک خود صورت‌بندی کند، عدالت ناخواسته با همان وضعیت استثنائی هم‌زیست می‌شود، نه در برابر آن. نکته متناقض آنجاست که پزشکیان بیش از بسیاری از سیاست‌مداران ایرانی، به سنت فکری نهج‌البلاغه ارجاع می‌دهد؛ سنتی که عدالت را دقیقا در نسبت با مبارزه با فساد تعریف می‌کند. نهج‌البلاغه -اگر به‌عنوان متنی برای حکمرانی خوانده شود- عدالت را بدون تعیین مصادیق انحراف، بی‌معنا می‌داند. تجربه‌های سیاسی نشان می‌دهد عدالت، وقتی دشمن خود را تعریف نکند، به‌سرعت به واژه‌ای بی‌خطر تبدیل می‌شود؛ واژه‌ای که همه با آن موافق‌اند، چون هیچ‌کس خود را در برابرش نمی‌بیند. این دقیقا همان نقطه‌ای است که عدالت، از نیروی تغییر، به سرمایه نمادین قدرت تبدیل می‌شود. واقعیت این است که اگر با گفتمانی مواجه باشیم که عدالت را می‌گوید، اما ضد عدالت را نام نمی‌برد؛ اخلاق را برجسته می‌کند، اما قدرت را مسئله‌مند نمی‌کند؛ انصاف را تکرار می‌کند، اما امتیاز را به چالش نمی‌کشد، آن‌گاه خودِ گفتمان عدالت زیر سؤال می‌رود. این یادداشت نه از دولت انتظار برنامه دارد و نه نسخه سیاستی می‌نویسد. پرسش، صرفا گفتمانی است: آیا عدالت می‌تواند بدون زبان مبارزه با فساد، به گفتمان مسلط حکمرانی بدل شود؟ اگر قرار است گفتمان عدالت در دولت پزشکیان، فراتر از اخلاق فردی و نیت خیر فهم شود، ناگزیر باید بار تعارضی خود را بازیابد؛ نه در سطح سیاست، بلکه پیش از آن، در سطح کلام.

طرح «من شهردارم»؛ کاریکاتور مشارکت اجتماعی

ادامه از صفحه اول

اما مسئله صرفا ناکارآمدی یک طرح نیست، بلکه اشکال اصلی در جایگزینی آگاهانه نهادهای دموکراتیک با نمایش‌های پرهزینه است. وقتی مشارکت واقعی حذف می‌شود، ناگزیر باید ادای آن را درآورد و «من شهردارم» دقیقا تصویری از همین ادا و اطوار است: پرزرق‌وبرق، هزینه‌بر و نهایتا تهی از معنا. مشارکتی که نه قدرت می‌سازد، نه اعتماد و نه شهروند، بلکه فقط آمار تولید می‌کند.

در انجمن اتیسم چه می‌گذرد؟

ادامه از صفحه ۸

او درباره خانه‌های امید انجمن اتیسم توضیح داد: «مجوز توان‌بخشی تنها برای متخصصان درمان صادر می‌شود که حضورشان به‌عنوان مسئول فنی در تمام ساعات کار مرکز الزامی است؛ ولی انجمن اتیسم با داشتن پنج خانه امید در تهران و پنج خانه امید در شهرهای مختلف ازجمله خرم‌آباد، کرمانشاه و زاهدان بدون مسئول فنی و مجوز به مداخلات درمانی ورود کرده و این با منشور حقوق بیماران متناقض و خلاف اخلاق و قانون است. وقتی دادن مجوز به افراد دارای تحصیلات مرتبط با استعلام و کنترل‌های مختلف صورت می‌گیرد، این مراکز چگونه چندین سال توانسته‌اند بدون مجوز و با تبلیغات گسترده فعالیت کنند و از چشم وزارت بهداشت دور بمانند؟».

محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی کشور نیز بر فقدان مجوز این انجمن برای ارائه خدمات درمانی تأکید کرده و گفته بود: «این انجمن برای ارائه کار درمانی و توان‌بخشی مجوزی از این سازمان دریافت نکرده است».

اینها در حالی است که مدیرعامل انجمن گفته بود مجوزش را از دانشگاه علوم پزشکی دریافت کرده است: «برگزارکنندگان کارزار فکر می‌کنند انجمن اتیسم باید مجوز مرکز بهزیستی را داشته باشد. درحالی‌که این‌گونه نیست. مجوز ما از دانشگاه علوم پزشکی ایران صادر شده اما درباره ارائه خدمات به طیف اتیسم، ما با مراکزی که مجوز بهزیستی را دارند همکاری می‌کنیم و درواقع خدمات‌مان را به مراکز بهزیستی برون‌سپاری کرده‌ایم. ما از بهزیستی مجوز نداریم، بلکه به سراغ مراکزی که از بهزیستی مجوز دارند، می‌رویم و کودکان اوتیستیک را تحت پوشش مراکز دارای مجوز بهزیستی قرار می‌دهیم. ضرورتی ندارد انجمن اتیسم از بهزیستی مجوز دریافت کند؛ چون انجمن، خدمت رایگان خود را در مراکزی که مجوز بهزیستی دارند، ارائه می‌دهد و درمان این کودکان در حال حاضر در خانه‌های امید به صورت رایگان و تحت عنوان توان‌بخشی-آموزشی انجام می‌شود».

شکایت نیروهای سابق انجمن در «ویکی‌تجربه»

«به نام اتیسم و به کام مدیرعامل»

از سوی دیگر، گشتی در ویکی‌تجربه هم حکایت از روایت‌های ناخوشایندی دارد. افرادی که پیش‌تر در انجمن اتیسم شاغل بوده‌اند، تجربیات خود را در این سایت نوشته‌اند که هرچه بگردید، حتی یک جمله مثبت هم در میان نظرات کاربران نوشته نشده است. یکی از این کاربران نوشته است: «اگه از سلامت روانتون سیر نشدین، اینجا استخدام نشید. با پنبه سرتون رو می‌برن و با عذاب وجدان دادن بهتون که اینا پول بچه‌های اتیسمه، حقوقتون رو نمیدن. همیشه هم آخرش به اسم اینکه خیریه هستن، جریمه‌هاشون بخشیده می‌شه». فرد دیگری از سفرهای پرخرج مدیرعامل نوشته است: «به نام اتیسم و به کام مدیرعامل برای سفرهای آن‌چنانی مصر و ژنو. کار داوطلبانه فقط برای کارمند بیچاره است؛ وگرنه نزدیکان مدیرعامل با کار کمتر مزایای و سفر خارجی هم دارند».

پژواک شکایت‌ها از انجمن اتیسم در مجلس

ماجرای شکایت از انجمن اتیسم حتی به گوش بهارستانی‌ها هم رسیده است. مصطفی پوردهقان، نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به گزارش‌های مردمی رسیده علیه انجمن اتیسم ایران می‌گوید: «گزارش‌های مکرر مردمی مبنی بر سوءاستفاده‌های مختلف ازجمله مالی، از سوی انجمن اتیسم شنیده می‌شود. ما این موضوعات را به منظور بررسی حتما به سازمان بهزیستی منتقل خواهیم کرد تا موضوعات جزء به جزء بررسی و با تخلفات صورت‌گرفته برخورد شود».

فضل‌الله رنجبر، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز درباره تخلفات انجام‌شده از سوی این انجمن گفته است: «اگر انجمنی فاقد مجوز، بخواهد از احساسات خیرین و مردم سوءاستفاده کند، دستگاه‌های ناظر، به‌ویژه در وزارت کشور باید به‌جد به این موارد تحت هر عنوانی ورود و جلوی سوءاستفاده‌ها را بگیرند. همچنین دستگاه‌های ناظر باید گزارش‌های عملکردی انجمن‌های خیریه قبل همین انجمن اتیسم را بررسی کنند و درصورتی‌که خلاف مقررات و اخلاق، رفتار و عملکردی داشتند، حتما با آنها برخورد جدی داشته باشند».

گزارش مالی پرحاشیه

بیش از یک میلیارد حقوق با عنوان «مطالبه‌گری»

گزارش حسابرسی و صورت‌های مالی انجمن اتیسم ایران از سال ۱۴۰۳ هم نکات درخور توجهی را برای خانواده‌ها و همچنین رسانه‌ها برجسته کرده است. کل عواید انجمن در سال گذشته، مبلغ ۷۶۷میلیاردو ۹۳۰میلیون و ۱۲۶هزارو ۸۴۵ ریال بوده است. در این گزارش، مبالغی تحت عناوین خاصی به نیروهای انجمن پرداخت شده است که باعث ایجاد شبهات متعددی می‌شود.

قابل تأمل‌ترین مورد بین این عناوین، مربوط به بخشی با نام «حقوق مطالبه‌گری» است. در این بخش، ۱۳ میلیارد و ۶۶۵ میلیون و ۷۷۱ هزار و ۵۱۰ ریال به‌عنوان دستمزد پرداخت شده است. همچنین، رقم درج‌شده برای حقوق مزایای این نیروها نیز ۲۳ میلیارد و ۵۷۳ میلیون و ۱۶۶هزار و ۵۸۱ ریال بوده است؛ چیزی حدود چهار میلیارد تومان در یک سال.

مورد بعدی درباره رقم‌های پرداختی برای توانبخشی است. طبق دستورالعمل شورای بیمه سلامت کشور، مورخ تیرماه سال ۱۴۰۱ و با توجه به پوشش بیمه‌ای ۷۰ درصد در همان سال و پوشش کامل و صددرصدی خدمات توانبخشی زیر ۱۲ سال برای کودکان طیف اتیسم در سال ۱۴۰۲ توسط بیمه‌های پایه، اصولا جذب منابع از خیرین برای توانبخشی (طرح پنجره، یک بانک خصوصی) در سال ۱۴۰۲ محل پرسش جدی خانواده‌هاست. یکی از این والدین در این‌باره به «شرق» می‌گوید: «چنین رقم‌هایی فاقد توجیه است و به نوعی اتلاف وجوه کلان خیریه‌ها محسوب می‌شود؛ چون بودجه لازم برای توانبخشی توسط دولت در صندوق بیمه سلامت تأمین شده است. آنچه وظیفه انجمن اتیسم در آن برهه بود، به‌روزرسانی اطلاعات گروه زیر ۱۲ سال و تقاضای فوری برای گسترش پوشش بیمه به جمعیت بالای ۱۲ سال طیف اتیسم بود که تا به امروز به هیچ‌جایی نرسیده است».

مسئله بعدی، وجود تعارض منافع میان برخی از مدیران انجمن است. به‌طور مثال، حق پروژه‌ای برای یکی از این افراد که طبق مستنداتی که در اختیار روزنامه «شرق» قرار دارد، همسر مدیر انجمن اُتیسم محسوب می‌شود و برای دو روز دورکاری در هفته، حدود ۸۰۰ میلیون تومان دریافت کرده است. شبهه بعدی درباره صدور کارت بانکی این بانک خصوصی است. کارمزد صدور کارت در ۱۴۰۴ مبلغ چهار هزار و ۵۰۰ تومان بوده که در حسابرسی ۲۳۷ هزار تومان اعلام شده است. مبلغ ۱۶۱ هزار تومان نیز برای ثبت اطلاعات هر فرد در نرم‌افزار محاسبه شده است که هر دو عدد مبالغ بالایی هستند.

نگرانی از فعالیت ۲ فرد فاقد پروانه در انجمن

همچنین، نحوه انتخاب و همکاری با درمانگران نیز موجب نگرانی است. برای مثال وضعیت نداشتن پروانه فعالیت دو نفر از مدیران انجمن طبق مستنداتی که در اختیار «شرق» قرار گرفته، روشن شده است. اینکه این افراد چطور به فعالیت‌های درمانگری مشغول هستند، خود جای بررسی دارد. موضوع انتخاب درمانگران و مدیریت آنها توسط این دو نفر نیز خود مشکل دیگری است. «س.ت»، دارای مدرک کارشناسی کاردرمانی (مدرک کارشناسی ارشد او ربطی به حوزه درمان ندارد)، مدیر طرح پنجره با دستمزد مدیریت پروژه ۸۰۰میلیونی که مدیریت کلینیک سلامت خانواده، مدیریت آموزش و آکادمی اُتیسم و معاونت ستادی مدیرعامل را نیز بر عهده دارد، در بررسی‌های انجام‌شده، فاقد پروانه فعالیت است. «م.ف»، کارشناس ارشد روان‌شناسی نیز با گرفتن حقوق مدیریتی، حق مطالبه‌گری و دستمزد اضافه بابت کارگاه فرزندپروری که در سفرهای اسپانیا و ترکیه و ژنو نیز حضور داشته، فاقد پروانه است. این در حالی است که خود موضوع سفرهای انجمن به اروپا و مصر و کشورهای دیگر محل مناقشه است. انجمن اُتیسم همواره در ماه‌های اخیر و در دفاع از این سفرها، خودش را تنها نهاد دارای عضویت ECOSOC در ایران معرفی می‌کند. حال آنکه قریب به ۲۰ تشکل ایرانی در فهرست شش‌هزارو ۵۰۰عضوی سال ۲۰۲۲ اعضای مشورتی اکوسوک وجود دارند، ازجمله کهریزک. اما طی سه سال اخیر حتی یک نفر از ۲۰ تشکل ایرانی در جلسه سالانه اکوسوک در ژنو شرکت نکرده‌اند.

پاسخ‌های مدیرعامل انجمن اُتیسم ایران

«ادعاهای مطرح‌شده در کارزار منطبق با واقعیت نیست»

«شرق» برای ایجاد شفافیت بیشتر و آوردن توضیحات تمامی طرف‌های این ماجرا، سراغ مدیرعامل انجمن اتیسم نیز رفت. انجمنی که در هفته گذشته هم میزبان نشستی در معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد شده بود، به برخی از برجسته‌ترین پرسش‌های خانواده‌های اُتیسم پاسخ داد. «سعیده صالح‌غفاری»، در ابتدا به توضیح کارزاری که مشخصا علیه او و توسط برخی از خانواده‌ها نوشته شده بود، پرداخت: «انجمن اُتیسم ایران به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد ملی و بالغ بر ۱۰ هزار خانواده عضو (فرزندان یک سال تا بزرگسال ۴۰ساله و در طیف‌های مختلف و دهک‌های متعدد) روزانه با هزاران خانواده در سراسر کشور در ارتباط است. بدیهی است در چنین مقیاسی، تفاوت دیدگاه‌ها، انتظارات متنوع و نارضایتی‌هایی نسبت به روندها، تصمیمات یا محدودیت‌های اجرائی وجود داشته باشد. بخش عمده‌ای از نارضایتی‌های مطرح‌شده، ناشی از محدودیت منابع، ظرفیت خدمات، اولویت‌بندی‌ها، ضوابط پذیرش و تفاوت میان انتظارات خانواده‌ها با توان واقعی یک نهاد خیریه مردم‌نهاد است. انجمن همواره مسیر گفت‌وگو، اصلاح فرایندها و پاسخ‌گویی را باز گذاشته و با خانواده در ارتباط است، اما بسیاری از ادعاهای مطرح‌شده در کارزار را دقیق یا منطبق با واقعیت نمی‌داند».

یکی از جدی‌ترین نگرانی‌ها در انجمن درباره افرادی است که فاقد پروانه فعالیت درمانی معرفی شده‌اند، اما در ویدئوهایی که از مأموریت‌های شهرستان انجمن نشان داده می‌شود، همین افراد با مدیریت کلینیک سلامت و طرح پنجره، اقدام به ویزیت و ارزیابی کودکان می‌کنند. غفاری در پاسخ به ابهامات مطرح‌شده درباره این موضوع حضور معاون آموزش توانبخشی و سلامت خانواده را در جایگاه نظارتی، آموزشی و مشاوره‌ای و در راستای وظایف سازمانی این معاونت دانست: «این حضور با هدف پایش کیفیت خدمات، بررسی روند پیشرفت کودکان، همسان‌سازی رویکردهای توانبخشی، بازنگری برنامه‌ها و ارتقای عملکرد تیم‌های درمانی مراکز طرف قرارداد صورت می‌گیرد. در جریان این مأموریت‌ها، جلسات مشترک بررسی پرونده‌ها (Case Study) با حضور درمانگران دارای مجوز هر مرکز برگزار می‌شود و تشخیص، درمان و اجرای مداخلات بالینی همچنان به‌طور کامل بر عهده تیم درمانی مجاز همان مرکز باقی می‌ماند. این فعالیت‌ها به‌هیچ‌عنوان به معنای ارائه خدمات درمانی مستقل یا مداخله خارج از چارچوب مجوزهای مراکز استانی نیست».

انجمن فاقد پروانه بودن ۲ عضو مهم خود را پذیرفت

«فعالیت آموزش و نظارتی مداخله درمانی نیست»

از نگاه او، چنین حضوری از لحاظ قانونی منعی ندارد: «از منظر قانونی، فعالیت‌های آموزشی، نظارتی و مشاوره‌ای تخصصی در کنار تیم‌های دارای مجوز، مداخله درمانی مستقل محسوب نمی‌شود و مطابق ضوابط جاری کشور، منع قانونی برای این نوع فعالیت وجود ندارد. همچنین مأموریت‌های استانی انجمن اتیسم ایران در راستای نظارت بر عملکرد خانه‌های امید اتیسم، با هماهنگی، همکاری و تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همکاری دانشگاه‌های علوم پزشکی صورت می‌گیرد».

«شرق» همچنین چرایی سفرهای پرتعداد اعضای انجمن اتیسم را پرسید؛ سفرهایی که در آن اعضای خانواده مدیریت انجمن هم حضور دارند: «سفرهای شخصی اعضای خانواده افراد شاغل یا مسئول در انجمن، هیچ ارتباط سازمانی، مالی یا مأموریتی با انجمن اتیسم ایران ندارد و از محل منابع شخصی انجام شده و می‌شود».

انجمن اتیسم ایران تنها نماینده اکوسوک نیست

انجمن اتیسم ایران پیش از این مصاحبه و در تمامی توضیحات خود، ازجمله بیانیه‌ای که پیش‌تر در پاسخ به «اتهامات» یکی از رسانه‌ها منتشر کرده بود، خود را تنها نماینده اکوسوک در ایران معرفی کرده بود؛ موضوعی که بالاخره خلافش را توضیح داد: «مقام مشورتی انجمن اتیسم ایران در اکوسوک سازمان ملل، شکل رسمی دارد و با صلاحیت‌سنجی و ارزیابی‌های دوره‌ای و در چارچوب قواعد بین‌المللی انجام می‌شود. انجمن یکی از نهادهای ایرانی دارای این مقام مشورتی است و ادعایی مبنی بر بهره‌مندی انحصاری از این مقام را ندارد». اما غفاری توضیح نداد که چرا سایر نهادهای مدنی عضو اکوسوک ازجمله کهریزک مدام به این سفرها اعزام نمی‌شوند.

خدمات ثبت‌نام در انجمن و در سال گذشته به ناگهان متوقف شد، اما آمار پایان سال در گزارش‌ها به بیش از ۹ هزار نفر رسیده بود. مدیرعامل انجمن اُتیسم ایران در توضیح چگونگی این جریان گفت: «توقف ثبت‌نام در مقاطعی در سال ۱۴۰۴، به‌معنای توقف ارائه خدمات نیست و به دلیل اعمال تغییرهای مورد نیاز در سامانه ثبت‌نام رخ داده است. آمار اعلام‌شده، شامل افراد دارای پرونده فعال، دریافت‌کنندگان خدمات مستقیم و غیرمستقیم و خانواده‌های تحت پوشش برنامه‌های حمایتی و آموزشی است. این آمار تجمیعی و مبتنی بر داده‌های انجمن در سامانه‌های داخلی انجمن است».

شبهات متعدد درباره حضور «ی.س» و تعارض منافع جدی

از جدی‌ترین شبهات درباره انجمن، نام یکی از مؤسسان است. «ی.س» که تأییدکننده اساسنامه انجمن در وزارت کشور محسوب می‌شود، به عضویت همین انجمن هم درآمده است. غفاری درباره حضور این فرد با وجود تعارض منافع، فقط به این توضیح بسنده کرد: «فرایند تأسیس انجمن، تصویب اساسنامه و ثبت آن، مطابق ضوابط وزارت کشور و آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ و تحت نظارت مراجع قانونی انجام شده است. عضویت خانم سماواتی در جایگاه فردی خود به‌عنوان عضو هیئت مؤسس در ابتدای تأسیس انجمن نیز در همان چارچوب بوده است».

طبق قانون نهادهای این‌چنینی، برای معافیت مالیاتی باید در اساسنامه خود ذکر کنند که حق بستن قرارداد با بستگان درجه‌یک خود را ندارند؛ موضوعی که در اساسنامه انجمن اُتیسم ایران دیده نمی‌شود. همین هم سبب شده که نحوه تأیید این اساسنامه و ارتباطش با حضور «ی.س» به‌طور موازی در وزارت کشور و انجمن مورد پرسش جدی قرار گیرد. مدیرعامل این انجمن اما می‌گوید هیچ تخلفی رخ نداده است: «اساسنامه انجمن خیریه اُتیسم ایران مطابق ضوابط زمان تصویب، به تأیید وزارت کشور رسیده و مشمول معافیت مالیاتی از عملکرد مطابق بند «ط» است. موضوعاتی مانند منع قرارداد با بستگان درجه‌یک و درجه‌دو، در قوانین بالادستی مالیاتی و نظارتی کشور تعریف شده‌اند و صراحتا در بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه انجمن اُتیسم ایران -مورد تأیید وزارت کشور- نیز مبسوط به آن پرداخته شده است. تاکنون، هیچ گزارش رسمی مبنی بر تخلف انجمن از قوانین مالیاتی یا سوءاستفاده از معافیت‌ها از سوی مراجع ذی‌صلاح ارائه نشده است و انجمن هر سال، توسط حسابرس مستقل، حسابرسی می‌شود».

آخر انجمن اُتیسم ایران، خودروی لوکس دارد یا نه؟

غفاری در تبیین وضعیت خودروهای پرحاشیه (یک دستگاه ون، یک دستگاه تیبا، یک دستگاه KMC و یک دستگاه جک) انجمن خود نیز اظهار کرد: «خودروها جزء اموال انجمن هستند و برای انجام مأموریت‌ها یا جابه‌جایی مددجویان و تیم‌های اجرائی استفاده می‌شوند. هیچ‌یک از این خودروها دارایی شخصی کسی جز انجمن نیستند و اسناد مالکیتی آنها به نام انجمن ثبت شده است». این در حالی است که انجمن پیش‌تر در بیانیه خود عنوان کرده بود هیچ خودروی «لوکسی» ندارد. اینکه چطور مدیران این انجمن خودروی بیش از دو میلیارد تومانی را لوکس نمی‌دانند هم جای پرسش دارد. ضمن اینکه «شرق» مستنداتی دارد که نشان می‌دهد مبالغی که برای خرید این خودروها پرداخت شده، طبق برنامه حامی مالی محل هزینه موارد دیگری برای کودکان اُتیسم بوده است. پیرو تأکید فراوان این انجمن مبنی بر اینکه گزارش مالی سالانه خود را شفاف اعلام می‌کند، ما در «شرق» از غفاری خواستیم برای نشان‌دادن هرچه بیشتر این شفافیت درآمد خودش، همسرش و دخترانش از انجمن را اعلام کند که با اشاره او به «حریم خصوصی» روبه‌رو شدیم: «انجمن اُتیسم ایران یک نهاد مردم‌نهاد است و شفافیت مالی آن از طریق ارائه گزارش‌های رسمی، انجام حسابرسی مستقل و نظارت نهادهای ذی‌ربط در چارچوب قوانین کشور انجام می‌شود. درآمد شخصی اعضای خانواده مدیرعامل و هر مدیر یا همکار دیگری در انجمن، موضوعی در حریم خصوصی ایشان است و ارتباطی با عملکرد حقوقی و مالی انجمن ندارد. انجمن به رعایت ضوابط و قانون‌هایی مانند مبارزه با پول‌شویی متعهد است. همه پرداختی‌های انجمن به همکاران خود در چارچوب قانون، با رعایت آیین‌نامه‌ها و مصوبه‌های هیئت‌مدیره انجام می‌شود».

از سوی دیگر، گشتی در ویکی‌تجربه هم حکایت از روایت‌های ناخوشایندی دارد. افرادی که پیش‌تر در انجمن اوتیسم شاغل بوده‌اند، تجربیات خود را در این سایت نوشته‌اند که هرچه بگردید، حتی یک جمله مثبت هم در میان نظرات کاربران نوشته نشده است. یکی از این کاربران نوشته است: «اگه از سلامت روانتون سیر نشدین، اینجا استخدام نشید. با پنبه سرتون رو می‌برن و با عذاب وجدان دادن بهتون که اینا پول بچه‌های اتیسمه، حقوقتون رو نمیدن. همیشه هم آخرش به اسم اینکه خیریه هستن، جریمه‌هاشون بخشیده می‌شه»

خبرخوان

درج نشان اهدای عضو روی گواهینامه رانندگی

ایسنا: رئیس مرکز صدور گواهینامه راهور فراجا از آغاز درج نشان «قلب قرمز اهدای عضو» روی گواهینامه رانندگی افراد متقاضی خبر داد و هم‌زمان شرایط سنی و دسته‌بندی گواهینامه‌های موتور و خودرو را تشریح کرد. آرش امیری ادامه داد: «به دنبال دستور سردار حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا، طرح درج آرم اهدای عضو روی گواهینامه‌های رانندگی آغاز شده است. این اقدام خداپسندانه مانند بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته اجرا می‌شود و افرادی که علاقه‌مند باشند، می‌توانند هنگام ثبت درخواست گواهینامه، تمایل خود را ثبت کنند تا علامت قلب قرمز -به نشانه اهدای عضو- روی گواهینامه‌شان درج شود». او افزود: «افراد می‌توانند هنگام صدور اولیه گواهینامه، تعویض یا دریافت المثنی از طریق دفاتر خدمات الکترونیک پلیس +۱۰ درخواست درج این نشان را ثبت کنند و پس از طی مراحل قانونی، علامت قلب قرمز هنگام چاپ گواهینامه روی آن جانمایی خواهد شد». امیری در ادامه با اشاره به صدور گواهینامه موتورسیکلت برای افراد ۱۶ تا ۱۸ سال گفت: «در بیشتر استان‌ها آموزشگاه‌های موتور فعال هستند و به نوجوانان این بازه سنی دو نوع گواهینامه ارائه می‌شود؛ گواهینامه موتورسیکلت‌های تا ۵۰ سی‌سی با عنوان الف‌میم و موتورسیکلت‌های ۱۲۵ سی‌سی با عنوان الف ۱». او توضیح داد: «در مجموع سه مدل گواهینامه موتورسیکلت الف‌میم، تا ۵۰ سی‌سی؛ الف ۱، تا ۱۲۵ سی‌سی و الف ۲، از ۱۲۵ سی‌سی تا حدود ۲۵۰ سی‌سی براساس دستورالعمل‌های موجود داریم». به گفته رئیس مرکز صدور گواهینامه، گواهینامه وسایل نقلیه نیز شامل پایه سه، پایه دو و پایه یک است؛ پایه سه برای خودروهای سواری و وانت شخصی، پایه دو برای وسایل عمومی نیمه‌سنگین و پایه یک برای وسایل عمومی سنگین صادر می‌شود. او درباره شرایط سنی صدور گواهینامه‌ها اعلام کرد: «گواهینامه پایه سه برای حداقل افراد ۱۸ سال، پایه دو حداقل ۲۱ سال، پایه یک حداقل ۲۳ سال، الف‌میم و الف ۱، از ۱۶ سال و الف ۲ حداقل ۱۸ سال است».

تأثیر قطعی نمرات امتحانات نهایی یازدهمی‌ها در کنکور

ایسنا: مدیرکل دفتر آموزش دوره دوم متوسطه نظری وزارت آموزش و پرورش با تأکید بر تأثیر قطعی نمرات امتحانات نهایی پایه یازدهم در کنکور امسال، از اجرای برنامه راهبردی چهارساله برای ارتقای کیفیت آموزشی، افزایش معدل دانش‌آموزان و بازنگری در نظام هدایت تحصیلی متناسب با نیازهای کشور خبر داد و گفت: «براساس آزمون‌های رغبت‌سنجی، ۷۳ درصد دانش‌آموزان علاقه‌مند به تحصیل در رشته‌های نظری هستند». ابراهیم رفیعی با اشاره به شیوه ارزشیابی دانش‌آموزان متوسطه دوم گفت: «دانش‌آموزان پایه یازدهم سال گذشته در کنکور، امتحان نهایی‌شان تأثیر مثبت داشت، اما امسال این تأثیر به صورت قطعی اعمال می‌شود که موضوع بسیار مهمی است و دانش‌آموزان باید از آن آگاه باشند. سال گذشته اگر نمره خوبی کسب می‌کردند، تأثیر مثبت داشت و اگر نمره پایینی می‌گرفتند، لحاظ نمی‌شد، اما امسال نمرات پایه یازدهم با ضرایب مشخص، تأثیر قطعی در کنکور دارد». او با بیان اینکه امسال دانش‌آموزان پایه یازدهم شش درس نهایی دارند اما سال آینده تعداد دروس امتحانات نهایی افزایش خواهد یافت، درباره برنامه وزارت آموزش و پرورش برای ارتقای کیفیت آموزشی افزود: «برنامه راهبردی چهارساله در دفتر آموزش متوسطه نظری تدوین و به وزیر آموزش و پرورش ارائه شده که دارای هفت هدف کلان ازجمله ارتقای آموزش در مدارس دولتی است». او ادامه داد: «ذیل این اهداف کلان، برنامه‌های اجرائی مت